



۱۰۲



نوشته هائی در باره زنده گی، آثار، در مقام؛ در نقد از نوشته ها و زنده گی اش و در تمجیدها، در به "عرش" رساندن ها و تمسخرها و تکفیرها...

(۱)

با این نوشته ها:

برشین بوک : فریدون آدمیت

بی بی سی : فریدون آدمیت درگذشت

بی بی سی : فریدون آدمیت؛ مورخ خانه نشین

علی دهباشی : پدر تاریخ نگاری مشروطیت ایران درگذشت

روابط عمومی جبهه ملی ایران - اروپا (آلمان) : با یاد و به یاد اندیشمند و پژوهشگر ایرانی دکتر فریدون آدمیت

بهروز برومند : زنده یاد دکتر آدمیت ، ایران دوستی آزادخواه

فریدون آدمیت : اندیشه های میرزا آقاخان کرمانی (متن کامل)

حام حم : پیکر فریدون آدمیت به خاک سپرده شد

ابراهیم زنجانی : معمای «جمع چهارم»

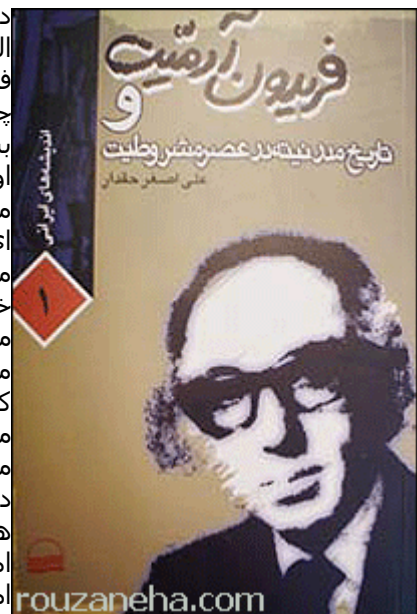
صالح تسبیحی : وداع با آدمیت



<http://www.persianbook.net>

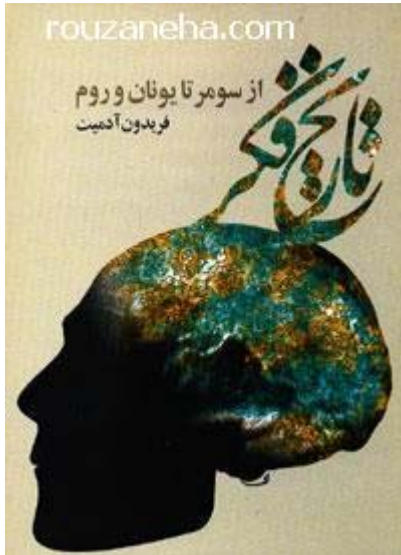
فریدون آدمیت

دکتر فریدون آدمیت متولد تهران - ۱۲۹۹ - تحصیل در مدرسه دارالفنون - فارغ التحصیل دانشکده حقوق و علوم سیاسی ۱۳۲۱ - اخذ درجه دکترای تاریخ و فلسفه سیاسی از دانشگاه لندن ۱۹۴۱ فریدون آدمیت را از جدی ترین چهره های تاریخ نگاری علمی در ایران می شناسند. اما قدر و مقام او از این بسی فراتر است. تاریخ نگارانی که با این رشته از جدادگی آشنا تر هستند، او را فیلسوفی سیاسی با اندیشه هایی در خور اعتنا می دانند و حتی مقام او در این زمینه راز مقام آدمیت مورخ برتر می شمردند. هر کتاب و مقاله ای که از او منتشر شد، اعتبار یک مآخذ ثابت و خدشه ناپذیر را داشته و مجموعه آثار او، فخری است برای تاریخ معاصر، زبان فارسی و اندیشه ترقی خواهی در ایران امروز. مهرگان امروز به او اختصاص یافته است: سید علیرضا میر علی نقی: تولد فریدون آدمیت در خانواده ای فرهنگی - سیاسی و معتقد به دانش اندوزی بوده است. در دوره دانش آموزی مدرسه دارالفنون، کلاس پنجم متوسطه را گذراند و شش ماه بعد نیز از عهده امتحان نهایی مدرسه متوسطه برآمد. در آن زمان بسیار نادر بود که در دوره دوم متوسطه، محصلی بتواند به اصطلاح یکساله دو کلاس برود، مگر این که حقیقتاً درخشان باشد. افراد معدودی از سالخوردگان امروز که صعوبت و جدیت نظام های آموزشی قدیم را به خاطر دارند، بر این سخن گواهند. دو ماه پیش از امتحان نهایی متوسطه، پدرش درگذشت و چه بسا ممکن بود از خیال امتحانات نهایی منصرف گردد. اما به ترغیب ابراهیم حکیمی (حکیم الملک)، دوست دیرین پدرش که به ادامه تحصیلات دانشگاهی فریدون آدمیت جوان



علاقه داشت، کارش را دنبال کرد و از پیش برد، بهترین استادش در دارالفنون، علامه جلال همایی بود که از آموزش عالی او مایه اندوخت. از دبیرستان به دانشکده حقوق و علوم سیاسی رفت و سه سال بعد فارغ التحصیل شد. پایان نامه دانشگاهی خود را درباره زندگی سیاسی میرزاتقی خان امیرکبیر نوشت که دو سال بعد از فارغ التحصیلی، در ۱۳۲۳، با مقدمه استادش محمود محمود (۱۳۴۴ - ۱۳۶۰ (به صورت کتاب معروف «امیرکبیر و ایران» منتشر شد. فریدون آدمیت، دانشجوی جوان و جدی سالهای ایران بحران زده جنگ جهانی دوم، از سال ۱۳۱۹ به خدمت وزارت امور خارجه درآمد. هم کار می کرد و هم درس می خواند؛ با هدف تحصیلات عالی دانشگاهی در اروپا یا آمریکا، که این فرصت را خدمت رسمی در وزارتخانه برایش فراهم می کرد. اولین مأموریت او در دی ۱۳۲۳ (ژانویه ۱۹۴۵) دبیری ساده سفارت ایران در لندن بود. دوران پنجساله مأموریت در سفارت ایران، در لندن، برای تحصیل و تحقیق او بارآور بود. در دانشکده علوم سیاسی و اقتصاد لندن، تاریخ سیاسی و فلسفه سیاسی خواند؛ و به حرف یکی از دانشمندان که توصیه کرده بود «برای ادامه تحصیلات به مدرسه السنه شرقیه برو» «وقعی نگذاشت». شرق شناسی و تحقیقات خاورمیانه ای و اوربانتالیسم را باب طبع خود ندید؛ و به تعبیر کنایه امیر خودش «علوم غریبه غریبه» به مزاج او بهتر می ساخت. از دانشگاه لندن درجه دکتری گرفت و گزارش رئیس آکادمی و استاد تاریخ روابط بین الملل، چارلز ویستر، گواه آینده درخشان او بود: «آقای آدمیت در تحقیق تاریخ روابط دیپلماسی تهران در دوره اوایل سده نوزدهم، علاوه بر پشتکار و مهارت فنی، نمودار بصیرت و تفکر تاریخی استثنایی است. همچنین در دوره های دیگر تاریخ دیپلماسی» ارشیوهای وزارت امور خارجه انگلستان، وزارت هندوستان و منابع خطی کتابخانه موزه بریتانیا تحقیق کرده است. بدان مراتب، آقای آدمیت در تاریخ روابط دیپلماسی ایران در سده نوزدهم دانش استثنایی کسب کرده است و یقین دارم که می تواند تأثیر بزرگی در تحول تحقیقات تاریخی در ایران داشته باشد انتظار دارم در آینده آثار مهمی به وجود بیاورد | رساله پایان نامه تحصیلی " آن جوان بسیار آراسته وجدی" « تعبیر استاد: محمود محمود از فریدون آدمیت [پایه کتابی بود که بعدها، استاد محمود محمود بر آن مقدمه نوشت و با نام «امیرکبیر و ایرا» به چاپ رسید. در برهوت فرهنگی ایران بحران زده سالهای جنگ جهانی دوم، این اثر حادثه ای بود و هنوز هم حادثه ای است که پنجاه سال سالخوردگی از رونق و اعتبار آن نکاسته است. در آن دوران فریدون آدمیت افسر نظام وظیفه بود و عصرها بعد از دانشکده افسری، به کافه فردوس می رفت که صادق هدایت و دوستانش در آنجا پاتوق داشتند. دو اندیشمند مهم ایران آن عصر، هدایت و دکتر حسن شهید نورایی (استاد تاریخ و عقاید اقتصادی در دانشکده حقوق) آن کتاب را پسندیدند و آدمیت را فراوان تشویق کردند. هدایت که بسیار سخت پسند بود و هیچ اثری را بدون گوشه و کنایه باقی نمی گذاشت، «امیر کبیر و ایران» را ستود و خواندنش را به همه دوستانش توصیه کرد؛ شهید نورایی نیز ترجمه قطعه هایی، اثر یکی از اقتصادشناسان

نامدار آلمان) در میحث انتقاد از اقتصاد استعماری (به آدمیت سپرد که برای جلد دوم «امیر کبیر و ایران» در میحث اقتصاد، از آن بهره گیرد. آدمیت، همیشه از هدایت و شهید نورایی با احترام قلبی یاد می کند؛ و ناطق، مورخ شناخته شده و معتبر ایرانی) ساکن پاریس و فعلاً بازنشسته (از قول او می گوید): هدایت بزرگوارترین انسانی بود که در میان هموطنانم شناختم. در میان هر قوم و قبیله ای واز هر رده ای|. «بعد از بازگشت به تهران، در سال ۱۳۲۸ معاون امور حقوقی شد و بعد از يك سال، به مأموریت در نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد رفت. در همان روزهایی که هدایت و شهید نورایی به فاصله يك روز در پاریس درگذشتند. از آن تاریخ تا هشت سال بعد که به مقام وزیرمختاری در همان نمایندگی رسید، در کار سازمان ملل متحد بود؛ خواه در سمت ریاست اداره سازمان های بین المللی، خواه به نمایندگی در کمیسیون های سیاسی و حقوقی مجمع عمومی ملل متحد. در سال ۱۳۳۴ کتاب «جزایر بحریں: تحقیق در تاریخ دیپلماسی و حقوق بین الملل» را به زبان انگلیسی نوشت و در نیویورک منتشر کرد. در کنفرانسهای دیگر هم شرکت داشت: از جمله در کنفرانس کشورهای آسیایی و آفریقایی در باندونگ. آدمیت، به قول خود از «لحاظ ورزش فکری» آن دوران هشت نه ساله را ارزشمندترین دوران خدمت رسمی خود می خواند و حتی بدان دلپستگی عاطفی دارد. شاید بدین سبب که کارنامه اش در سازمان ملل متحد، می خواند با شیوه تفکر بلند جهانشمول او. در ضمن، او کمابیش حدود بیست سال (۱۳۵۹ - ۱۳۲۸) (مقام داور بین الملل را در دیوان دائمی حکمیت «لاسه» داشت؛ یعنی حدود پانزده سال بعد از بازنشستگی. دکتر آدمیت بعد از بازگشت از سازمان ملل متحد با سمت مدیرکل سیاسی به مقام سفیرکبیری در سال ۱۳۲۹ رسید و سال بعد به سفارت کبرای ایران در لاهه رفت. دوسال بعد (۱۳۴۲) به سمت سفیرکبیری به دهلی نو رفت). زمان نخست وزیری جواهر لعل نهرو (و در بازگشت از هندوستان، به عنوان مشاور عالی سیاسی برگزیده شد. آدمیت در این هنگام، چهل و پنج ساله و در اوج توانایی و کارآمدی و بختگی برای کار اداری خویش بود که دفتر خدمت دیوانی را «ناگاه و يك باره» بست. در يك نامه معروف سه کلمه ای «تقاضای بازنشستگی دارم» و اگرچه این تقاضا بدون مشاجره از طرف وزیر وقت پذیرفته نشد، صراحت و قاطعیت مورخ نامدار ایرانی کار خود را کرد و از آن پس، يك سره به خدمت نشر فکر و درس عقل برآمد، تا به گاه رنجوری و بیماری که در رسید. ۱- آشفتگی در فکرتاریخی. تهران، جهان



اندیشه، ۱۳۶۰، ۲۰۲ص. ۲- افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار) با همکاری هما ناطق (تهران، آگاه، ۱۳۵۶، ۵۸۲ص. ۳- امیرکبیر و ایران یا ورقی از تاریخ ایران) با مقدمه محمود محمود. تهران، بنگاه آذر، ۱۳۲۳، ۲۷۱ص. ۴- امیرکبیر و ایران. تهران، خوارزمی، ۱۳۲۸، ۷۷۶ص. ۵- اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار. تهران، خوارزمی، ۱۳۵۱، ۵۱۴ص. ۶- اندیشه های طالبوف تبریزی. تهران، دماوند، ۱۳۶۳، ۱۰۱ص. ۷- اندیشه های میرزا آقاخان کرمانی. تهران، طهوری ۱۳۴۶، ۲۰+۲۹۲ص. ۸- اندیشه های میرزا فتحعلی آخوندزاده. تهران، خوارزمی، ۱۳۴۹، ۲۸۹ص. ۹- ایدئولوژی نهضت مشروطیت) جلد اول. (تهران، پیام، ۱۳۵۵، ۴۸۷ص. ۱۰- ایدئولوژی نهضت مشروطیت) جلد دوم: (مجلس اول و بحران آزادی. تهران، روشنگران، ۱۳۷۰، ۴۱۰ص. ۱۱- تاریخ فکر) از سومر تا یونان و روم. (تهران، روشنگران، ۱۳۷۵، ۲۵۸ص. ۱۲- شورش بر امتیاز نامه رژی تهران، پیام، ۱۳۶۰، ۱۵۱ص. ۱۳- فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت. تهران، سخن، ۱۳۶۰، ۳۳۹ص. ۱۴- فکر دمکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران. تهران، پیام، ۱۳۶۳، ۲۹۱ص. ۱۵- مقالات تاریخی. تهران، شبگیر، ۱۳۵۲، ۱۴۲ص.

فهرست

جامعه سومری تمدن شهری و شهرهای مستقل

نظام سیاسی و نخستین مجمع عمومی شهر

اندیشه های نظری: گرایش طبیعی نشرفرنگ و مدنیت، ابتکارکنستی توسیون و نظریه سیاسی

مشروطیت خطی

فرهنگ کثرت و نفوذ کنستی توسیون

جمهوری کارتاژ و قانون کنستی توسیون شهرهای خودمختاردر کرانه آسیای صغیر واژه «: ایونی»

زمینه تاریخی

کنستی توسیون در تقابل «تیرانی»

جنبش عقلی و روشن اندیشی و...



<http://www.bbc.co.uk/persian>

فریدون آدمیت درگذشت

فریدون آدمیت، مورخ و پژوهشگر برجسته ایرانی در سن 87 سالگی در تهران درگذشت.

فریدون آدمیت بر اثر شدت یافتن بیماری گوارشی و تنفسی که مدتها به آن مبتلا داشت از چند هفته پیش در بیمارستان تهران کلینیک بستری بود و بعدازظهر امروز (دهم فروردین) در همین بیمارستان درگذشت.

فریدون آدمیت عمدتاً به دلیل پژوهش روی تاریخ دوران نوگرایی و عصر مشروطیت در ایران شهرت دارد که مهمترین آثار او در این زمینه عبارتند از: فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت، اندیشه های میرزا آقاخان کرمانی، اندیشه های میرزا فتحعلی آخوندزاده، اندیشه های طالبوف تبریزی، اندیشه ترقی و حکومت قانون، فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران، ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران و امیرکبیر و ایران.

پدر فردون آدمیت، میرزا عباسقلی خان قزوینی، از مریدان میرزا ملکم خان ناظم الدوله، از پیشاهنگان تجدد و نوگرایی در ایران بود.

گفتگو با ماشاءالله آجودانی، پژوهشگر تاریخ

میرزا عباسقلی خان قزوینی همراه با جمعی از دیگر همفکران و پیروان میرزا ملکم خان، "جامع آدمیت" را پایه گذاشت که انجمنی پرنفوذ در اوائل قرن بیستم در ایران بود و شمار زیادی از رجال وقت، حتی محمدعلی شاه قاجار عضو آن بودند.

فردون آدمیت در دارالفنون، نخستین مدرسه مدرن ایران تحصیل کرد و استادانی همچون جلال همایی داشت که از بزرگترین ادبای معاصر ایران به شمار می رود.

وی تحصیلات خود را در دانشکده حقوق دانشگاه تهران ادامه داد و همزمان با تحصیل در سن بیست سالگی به استخدام وزارت امور خارجه درآمد، پس از فارغ التحصیلی به سفارت ایران در لندن اعزام شد و همزمان، تحصیلات خود را در دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه لندن (ال اس ای) تا کسب مدرک دکتری در رشته تاریخ و فلسفه سیاست ادامه داد.

پس از بازگشت به تهران در سال 1328 خورشیدی، معاون اداره اطلاعات و مطبوعات و سپس معاون اداره کارگزینی وزارت امور خارجه شد و در سال 1330 به عنوان عضو هیئت نمایندگی ایران به سازمان ملل متحد اعزام شد که طی هشت سال مأموریت خود در آنجا، تا رتبه وزیرمختار پیش رفت.



مأموریت مهم بعدی او، تصدی مقام سفارت ایران در هند در سال 1342 بود و در دوران سفارتش، جواهر لعل نهرو، نخست وزیر وقت هند را در نخستین سفر رسمی اش به ایران همراهی کرد.

پس از پایان دوران سفارت دوساله اش در هند، مشاور وزیر امور خارجه شد و سرانجام در سالهای دهه پنجاه خورشیدی پس از آنکه نامه ای در اعتراض به اعلام استقلال بحرین و پذیرش آن از جانب ایران نوشت، بازنشسته شد.

فریدون آدمیت در زمان عضویت در هیئت نمایندگی ایران در سازمان ملل که بحرین تحت الحمایه بریتانیا قرارداد داشت، کتابی به زبان انگلیسی درباره بحرین به روایت اسناد دیپلماتیک و حقوقی نوشته بود.

وی پس از بازنشستگی تمام وقت خود را صرف پژوهش و تألیف کرد.

پس از انقلاب، فریدون آدمیت از جمله نویسندگانی بود که با صدور بیانیه ای ده ماده ای خواهان اجرای قانون اساسی، آزادی انتخابات، آزادی مطبوعات، آزادی زندانان ساسی و رعایت اعلامه حقوق بشر شدند که گفته می شود به همین دلیل، حقوق بازنشستگی او از وزارت امور خارجه از سال 1359 قطع شد.

الیاس احمدی

روزنامه نگار

فریدون آدمیت؛ مورخ خانه نشین

فریدون آدمیت پس از سال ها بالاخره به خانه نشینی پایان داد، اما نه برای بازگشتن به صحنه بحث های فکری و تاریخی، بلکه برای رفتن به بیمارستان .

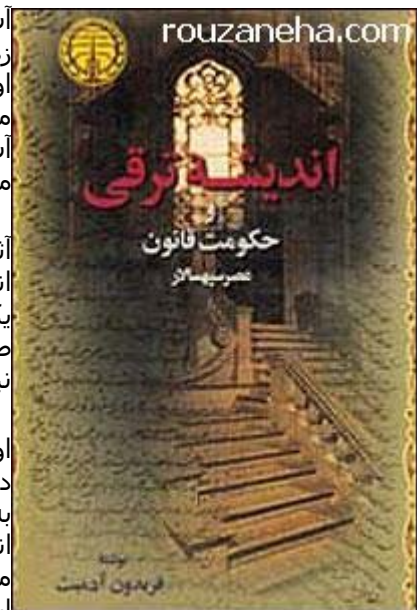
او از دو روز پیش به خاطر بیماری در بیمارستان بستری شده است، اما در بیمارستان نیز خلوت گزیده است و خوش ندارد کسی به عیادتش برود و جز چند تن از نزدیکان و دوستانش کسی را نمی پذیرد و آنها نیز سعی می کنند نام بیمارستان را اعلام نکنند، با این همه، حال او رضایت بخش است و چنان که مسئولان بیمارستان و دوستانش می گویند به زودی از بیمارستان مرخص خواهد شد .

فریدون آدمیت یکی از برجسته ترین چهره های پژوهش در ایران است که علیرغم گذشت نزدیک به سه دهه از خانه نشینی اختیاری اش، هنوز برجسته ترین مورخ ایرانی در حوزه مشروطه است و پژوهش هایش علیرغم گذشت زمان بسیاری از انتشارشان، هنوز جدی ترین آثار این حوزه بوده و رنگ کهنگی نگرفته اند . نوشتن مقاله و کتاب جدی درباره مشروطه، بدون ارجاع به آثار او تقریباً ناممکن است .

آن چه فریدون آدمیت را از دیگر مورخان ایرانی متمایز می کند، علاوه بر زدودن پاره ای ابهام ها و تاریکی ها از وقایع تاریخی، روش تاریخنگاری اوست . او علاوه بر این که در کتاب هایش در هر موضوع و زمینه ای با مراجعه به اسناد، اطلاعات دست اولی می دهد که برخی از آن ها پیش از آن در کتاب های تاریخی نیامده اند و این اطلاعات با دقت و آگاهی کنار هم می نشینند، به تحلیل وقایع نیز می پردازد .

آثار او نوعی تاریخ تحلیلی و انتقادی دوره مشروطه است، اما ذکر تحلیلی - انتقادی برای توصیف کتاب های آدمیت کفایت نمی کند . او، تاریخ اندیشه یک دوره از ایران را نوشته است و آثار او را نمی توان در تقسیم بندی ها صرفاً آثار تاریخی نامید، بلکه باید تاریخ اندیشه نامید که گاه به فلسفه تاریخ نیز نزدیک می شود .

او زمانی این شیوه را در پیش گرفت که کتاب های بسیار کمی در این زمینه در ایران منتشر شده بود و آن کتاب ها نیز نه به لحاظ ارزش های نظری و نه به لحاظ حجم در حدی نبودند که بتوانند جریانی را ساماندهی کنند، اما انتشار کتاب های آدمیت، آن هم در زمانی که بحث هایی مثل مشروطه، مخاطبان را چندان جذب نمی کرد، توانست موجی از توجه به مشروطه ایجاد کرده و بر پژوهش های مربوط به این دوره تاریخی تاثیر بگذارد .



با این همه فریدون آدمیت مخالفانی از همه طیف ها دارد . برخی از نیروهای غیرمذهبی ایران به خاطر توجه او به نقش روحانیون در مشروطه به آثار او نقد دارند و برخی از مذهبیون هم به خاطر توجه او به نیروهای غیر مذهبی و روشنفکران غیرمذهبی .

برخی از اقلیت های مذهبی مثل بهاییان به خاطر دیدگاه های او درباره بهاءالله منتقد او هستند و برخی از چپ ها به دلیل مواضع او، به او انتقاد دارند، با این همه هنوز با گذشت سه دهه از انتشار آثارش، نقد جدی و علمی بر آثار او منتشر نشده است، اگرچه در سال های اخیر آثاری منتشر شده است که در آن نقد هایی بر شیوه تاریخنگاری آدمیت مطرح شده است .

ماشاء الله آجودانی یکی از کسانی است که در سال های اخیر اشاره هایی انتقادی به آثار آدمیت داشته است . او در کتاب "مشروطه ایرانی" وقتی از تجربه زبانی و تحول مفاهیم سخن می گوید، از مفهوم ملت نام می برد که در دوره مشروطه به معنی اهل دین به کار می رفته است و سپس به معنی مردم یک کشور تغییر معنی داده است، اما در برخی از آثار آدمیت این تحول معنایی نادیده گرفته شده است و ملت در دوره مشروطه نیز در معنای مدرن آن به کار رفته و باعث دریافت های نادرست از برخی سخنان و تحولات شده است .



فریدون آدمیت که اکنون سن ۸۷ سالگی را پشت سر می گذارد، فعالیت کاری خود را به عنوان کارمند وزارت خارجه در دوره رضاخان آغاز کرد و در دوره محمدرضا پهلوی به عنوان یک دیپلمات عالی رتبه فعالیت کرد. او پس از سال ها فعالیت در وزارت خارجه از وزارت خارجه کناره گرفت که در برخی از منابع گفته شده است این اتفاق به خاطر مخالفت با جدا شدن بحرین از ایران صورت گرفته است.

آدمیت که در حین فعالیت های دیپلماتیک نیز به تحقیق و پژوهش می پرداخت، پس از آن به فعالیت های پژوهشی اش افزود و آثار بسیاری منتشر کرد که هنوز تجدید چاپ می شوند و مورد استقبال قرار می گیرند.

از آثار فریدون آدمیت می توان به کتاب های "اندیشه ترقی و حکومت قانون در عصر سپهسالار"، "ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران"، "امیرکبیر و ایران" و "فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران" اشاره کرد.



<http://www.chn.ir>

پدر تاریخ نگاری مشروطیت ایران درگذشت

دکتر فریدون آدمیت در اول اسد 1299 در تهران متولد شد و سرانجام در ساعت 3 بعدازظهر شنبه 10/1/1387 در بیمارستان تهران کلینیک در گذشت.

خبرگزاری میراث فرهنگی _ گروه میراث فرهنگی _ دکتر فریدون آدمیت در اول اسد 1299 در تهران متولد شد و سرانجام در ساعت 3 بعدازظهر شنبه 10/1/1387 در بیمارستان تهران کلینیک در گذشت.

او از دانش اموختگان نمونه مدرسه دارالفنون بود. بعد در دوره متوسطه توانست یک ساله دو کلاس بخواند. در همین دوران پدرش را از دست داد. از دبیرستان به دانشکده حقوق و علوم سیاسی رفت و در خرداد 1321 فارغ التحصیل شد. پایان نامه دانشگاهی آدمیت به بررسی زندگی سیاسی میرزا تقی خان امیرکبیر اختصاص یافت که دو سال بعد با مقدمه استادش محمود محمود در سال 1323 در تهران منتشر شد؛ این کتاب هنوز پس از 63 سال از انتشارش در شناخت امیرکبیر و عصر او یگانه مانده است و از نوادر کتابهای تاریخی است که توانسته پس از شش دهه از تالیفش معتبر و مرجع باقی بماند و از همه مهمتر اینکه آدمیت این کتاب را در 21 سالگی نوشت.

آدمیت در دورانی که دانشجوی دانشکده حقوق بود به خدمت وزارت خارجه درآمد و نخستین ماموریت اداری او در سال 1323 دبیری در سفارت ایران در لندن بود. در دوران ماموریت پنج ساله در لندن در دانشکده علوم سیاسی و اقتصاد لندن، تاریخ سیاسی و فلسفه سیاسی خواند و سرانجام در دسامبر 1941 دکترای خود را دریافت کرد. پس از بازگشت به ایران در فروردین 1330 به ماموریت در نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد رفت، در دوران ماموریتش در سازمان ملل متحد کتاب جزایر بحرین: تحقیق در تاریخ دیپلماسی و حقوق بین الملل را به انگلیسی نوشت و در نیویورک منتشر کرد.

پس از بازگشت از سازمان ملل در مهر ماه 1339 سفیر ایران در لاهه و دو سال بعد سفیر ایران در هندوستان شد. در کنار این فعالیت ها دکتر آدمیت 20 سالی داور بین المللی در «دیوان دائمی حکمیت» دادگاه لاهه را داشت.

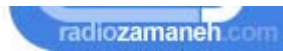
نام دکتر آدمیت در عرصه تاریخ نگاری در ایران با نوآوری و ویژگی های خاص او آمیخته است. امروز هیچ محققی را پیدا نمی کنیم که بخواهد در زمینه مشروطیت کار کند و محتاج آثار آدمیت نباشد.

از میان آثار دکتر آدمیت کتاب «امیرکبیر و ایران» جایگاه خاصی دارد و بیش از همه آثارش تجدید چاپ شده است.

«امیرکبیر و ایران» نمونه یک بیوگرافی سیاسی در تاریخ نویسی مدرن است؛ عنوان کتاب با مضامین آن دقیقا می خواند بدین معنی که شخصیت یک دولتمدار در کل تاریخ مورد سنجش و تحقیق قرار گرفته است و از نظرگاه تاریخ تحلیلی در سبک نگارش، فصل تازه ای در تاریخ نگاری مدرن می گنشايد. در این کتاب دکتر آدمیت عوامل پرورش شخصیت فردی و سیاسی میرزا تقی خان و رگه های روان شناختی او را به دست می دهد. تحول فکری را در برخورد تمدن غربی باز می نماید و به کارنامه دوران زمامداری او می پردازد. روش حکومت و «نظم میرزا تقی خانی»؛ تاسیسات نظامی، اصلاحات سیاسی و اقتصادی و مالی و نشر دانش و فرهنگ جدید را دربرمی گیرد. امیرکبیر و ایران اثری است که می ماند به روزگاران.

دو نمونه از سلوک فردی و اجتماعی او را به نقل از هما ناطق در اینجا می آورم: «آزادمنشی دکتر آدمیت در خدمت رسمی قرینه استقلال رای و آزادمنشی علمی اوست. فقط در 42 سالگی بود که از شغل فعال رسمی دامن فراچید و سپس در يك نامه سه کلمه ای (نه کمتر ، نه بیشتر (به وزارت خارجه نوشت: «تقاضای بازنشستگی دارم»، این جمله او ضرب المثل شد. دیگر نمونه رفتار او کناره گیری از هیات دبیران کانون نویسندگان است. در 1357 جماعت نویسندگان از نو گرد هم آمدند و برای بار دوم آن کانون را به عنوان يك کانون صنفی به راه انداختند. ریاست نخستین جلسه عمومی را آدمیت پذیرفت که مورد تایید و احترام همه بود. انتخاب اعضای هیئت دبیران هم انجام شد اما کانون به جای آنکه در جهت مسئولیت صنفی پیش برود که می توانست مفید باشد عرصه درگیریهای گوناگون از جمله برخوردهای فرقه ای گشت. آدمیت می گفت: «اغلب این حضرات نه به آزادی قلم و آزادی عقیده اعتقاد دارند، نه به خصلت صنفی کانون، نه به قواعد دمکراسی» لذا آدمیت از کانون کناره گرفت و هرگز بازنگشت».

علی دهباشی



<http://webstats.motigo.com>

فریدون آدمیت درگذشت

فریدون آدمیت مورخ و محقق تاریخ مشروطه ایران بعد از تحمل یک دوره کسالت و بستری شدن ناشی از بیماری گوارشی امروز درگذشت.

علی دهباشی سردبیر نشریه بخارا با اعلام این خبر در گفتگو با زمانه گفت: "فریدون آدمیت مدت ها بیمار بود و امروز بعد از ظهر در حالی در بیمارستان تهران کلینیک درگذشت که ۸۷ سال داشت."

گفتگو با علی دهباشی



<http://www.jminews.com>

با یاد و به یاد اندیشمند و پژوهشگر ایرانی دکتر فریدون آدمیت

روابط عمومی جبهه ملی ایران - اروپا) آلمان)

شنبه دهم فروردین ماه ۱۳۸۷ دکتر فریدون آدمیت در سن ۸۷ سالگی درگذشت. با درگذشت وی، ایران یکی از تاریخدانان بزرگ خود را از دست داد. دکتر فریدون آدمیت فرزند عباسقلی خان قزوینی در سال ۱۲۹۹ در تهران به دنیا آمد. وی در ۲۲ سالگی در رشته حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و بعد از آن در دانشکده علوم سیاسی و اقتصاد لندن با اخذ درجه دکترا فارغ التحصیل شد. علاقمندی وی به تاریخ را می توان در پایان نامه اش در مورد امیرکبیر مشاهده نمود. اگر قبول کنیم که تاریخ آمیزه ای از افکار، عقاید و آداب و رسوم و... در گذر زمان است، بیان آن نیاز به واقع نگری و روشن بینی است. تحقیق و ارزیابی واقعیات و رویدادها و تحلیل آن محتاج شیوه ای است که علاقمندان و محققان فردا بتوانند از فضای مه آلود تاریخ نگاری خارج و در شناخت و تفکیک واقعیات ها از بافته ها - که امری دشوار اما ضروری می باشد - بهره برند. دکتر آدمیت، یکی از نویسندگانی است که با شیوه تاریخ نگاری و تحقیق و ارزیابی مدرن و صحیح، در اندیشه سیاسی و تحلیل از نهضت های سیاسی - اجتماعی معاصر به ویژه مشروطیت، به نکاتی اشاره می کند که بیشتر با بینش خردگرایی ویژه متفکران آن دوره می باشد. تحقیق در افکار پیشتازان فکری نهضت مشروطه و شرح و تفسیر رویدادها و اندیشه های معاصر تاریخ ایران، وی را به پژوهشگر و تاریخدانی تبدیل کرد که تمام زوایای نهضت معاصر را ارزیابی و مشاهده نمود. دکتر فریدون آدمیت از نویسندگانی بود که در ترویج ادبیات و تفکر مدرنیته در ایران سهم به سزایی داشت با این که گفته میشود "... : آدمیت آراء و اندیشه های خود را که تحت تأثیر میرزا ملکم خان و نیز پدرش عباسقلی خان قزوینی بود، از طریق آثار مکتوب علمی اشاعه داد.ایشان از سال ۱۳۴۴ تمام وقت خود را صرف مطالعه و تحقیق در عصر مشروطیت کرد و طی بیش از ۲۰ سال، مهم ترین حوادث سیاسی اجتماعی دوران آغازین تاریخ ایران معاصر ایران را در بیش



از ۲۵ عنوان کتاب و مقاله تالیف و منتشر کرد. دکتر آدمیت با استفاده از روش مدرن تاریخ نگاری در جایگاه بنیان گذار تاریخ نگاری مدرن ایران قرار دارد. یادش گرام و روانش شاد.

روابط عمومی جبهه ملی ایران - اروپا (آلمان)

مهمترین آثار دکتر فریدون آدمیت عبارتند از :

۱- اندیشه ترقی و حکومت قانون در عصر سپهسالار ۲- ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران ۳- امیرکبیر و ایران ۴- شورش بر امتیازنامه رژی ۵- فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران ۶- فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت ایران ۷- اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوند زاده ۸- اندیشه‌های طالبوف ۹- اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی ۱۰- مجموعه مقالات تاریخی ۱۱- آشفستگی در فکر تاریخی ۱۲- افکار سیاسی و اجتماعی اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار ۱۳- عقاید و آراء شیخ فضل الله نوری ۱۴- انحطاط تاریخ نگاری در ایران.



پیکر فریدون آدمیت به خاک سپرده شد

جام جم آنلاین: پیکر فریدون آدمیت، تاریخ‌پژوه ظهر امروز ۳ س از تشییع از بیمارستان در مقبره خانوادگی، در بهشت زهرا) س (به خاک سپرده شد.

به گزارش ایسنا، در این مراسم علی دهباشی، مدیر مسوول نشریه بخارا، شعری را از فریدون مشیری خواند و زندگی و ارزش آثار و فعالیت‌های آدمیت را مرور کرد.

فریدون آدمیت عصر روز گذشته در سن ۸۷ سالگی، به دلیل عوارض ناشی از بیماری گوارشی و تنفسی، در بیمارستان تهران کلینیک درگذشت و صبح امروز از بیمارستان و با حضور جمعی از نویسندگان، پژوهشگران، نماینده‌ای از خانه کتاب و مسوولان نشریه تاریخ خانه کتاب ایران، تشییع شد.

آدمیت بیشتر به خاطر پژوهش درباره‌ی تاریخ دوران نوگرایی و عصر مشروطیت در ایران شهرت دارد.

فریدون آدمیت متولد سال ۱۲۹۹ در تهران، اولین اثر خود را با عنوان «امیرکبیر و ایران» وقتی که ۲۰ ساله بود، منتشر کرد. در دارالفنون تحصیل کرد و برای ادامه‌ی تحصیل به دانشکده حقوق و علوم سیاسی رفت. سپس از دانشگاه اقتصاد و علوم سیاسی لندن موفق به دریافت دکترای تاریخ روابط دیپلماسی شد. هرچند در سال ۱۳۳۰ به عنوان جوان‌ترین سفیر ایران در سازمان ملل معرفی شد، اما به گفته عبدالله شهبازی تاریخ‌پژوه، به دلیل مخالفت با مواضع دولت وقت و انتشار نامه‌ای در مخالفت با جدایی بحرین از ایران، زودتر از موعد بازنشسته شد و پس از آن تنها به انتشار آثاری در زمینه‌های تاریخی پرداخت.

کتاب «بحرین؛ تحقیق در تاریخ دیپلماسی و حقوق بین‌الملل» نوشته‌ی او در سال ۱۹۵۵ به زبان انگلیسی در نیویورک منتشر شد. جلد دوم کتاب «ایدئولوژی نهضت مشروطیت «با عنوان» مجلس اول و بحران آزادی» نیز آخرین اثری است که از او یک دهه پیش در ایران منتشر شده است.

البته فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت، اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی، اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده، اندیشه‌های طالبوف تبریزی، اندیشه ترقی و حکومت قانون، فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران، ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران و امیرکبیر و ایران از جمله دیگر آثار وی به‌شمار می‌روند.



وداع با آدمیت

صالح تسییحی

به تازه‌گی فریدون آدمیت درگذشت. او به تعبیری بزرگ تاریخ‌نگاری مدرن در ایران است و خاصه ماندگاری تاریخ مشروطه مدیون اوست، این نوشته به خاطر و احترام اوست.

کشوری که تاریخ‌اش را ننوشته است، اصلاً تاریخ ندارد! باید به سراغ متون شبه‌تاریخ‌نگارانه‌ی کهن ما رفت تا فهمید تلاش و توجه امثال «آدمیت» تا کجا بادی بر تاریخ غبارگرفته‌ی ما داشته است.

فریدون آدمیت درگذشت. اما او که بود؟ چه می‌کرد؟ و چرا باید سوگوش را سر داد و از فقدان او متأثر شد؟

او نماد نویسندگانی بود که شهرت و نام شناخته شدن را فدای اندیشه‌های والای خویش کردند و با عبور از تمایلات روزمره، به انزوا و تأمل در تاریخ پرداختند.

برای آن که بشود به نمونه‌هایی دیگر هر چند زنده، اما زیستن در انزوا را گزیده، اشاره کرد، می‌توان از «دکتر امین ریاحی» که متون کهن عرفانی بسیاری را همچون «مرصاد العباد» تصحیح و بازخوانی کرده‌اند و «دکتر مرتضوی» آن بزرگ‌مرد حافظ‌شناس و کتاب‌درخشان «مکتب حافظ» (او نام برد و منتظر شد تا جشن مرگ‌شان فرا برسد تا مطبوعات و سایت‌ها، لختی از توجه هر روزه به علی‌دایی و محمدرضا گلزار دست بکشند و خبری ریز و تلخ درج کنند و بگذرند که: هو الباقی!

فریدون آدمیت در کتاب ارزشمند خود «مجلس اول و بحران آزادی»، با اشاره‌ی مستقیم به مشکلات نظام پارلمانی در کشور ما و تغییر کاربری مجلس از همان آغاز در ایران، از «هرمنوتیک» به عنوان ابزاری فکری کمک می‌گیرد و با تأویل تاریخی بحران‌های دموکراتیک ایران، به ظرافت نشان می‌دهد که پای‌بست ویران است که خانه را ویران می‌کند.

قومی که حافظه ندارد و مدام در حال بازسازی الگوهای تاریخی خود به شکل مکرر است، هرگز گامی به جلو نخواهد گذاشت.

از این منظر متون «آدمیت» بسیار مورد استناد نویسندگان پس از خود قرار گرفته است. سیدجواد طباطبایی «در طرح خود مبنی بر» تئوری انحطاط در ایران «و دیگران در بررسی تاریخ معاصر، نوشته‌های» آدمیت «را به عنوان ملاکی بدون تزلزل و منبعی محکم که در آن‌ها نویسندگان تلاش کرده است واقعیات را از لابه‌لای کتب گذشته بیرون بکشد، مورد اتکا قرار داده‌اند.



او در «فکر دموکراسی اجتماعی در ایران» به دقتی هرچه تمام‌تر، اسناد دوران مشروطیت و مکاتبات ریشه‌های مشروطه (را) همچون حیدر خان عمو اوغلی و تقی‌زاده در تبریز (در نهایت امانت‌داری بررسی کرده است.

به راستی دریغ که امثال آدمیت‌ها چرا در تمام طول تاریخ ما به وجود نیامده بودند!

آدمیت در جایی به آزادی نوپای دوران مجلس نخستین و دوران پایانی سلطنت مظفرالدین شاه و آغاز کار محمدعلی شاه، پیش از استبداد صغیر را ملاک بررسی می‌گیرد و با این اعتقاد که قهر و خشونت در جنگ میان آزادی و استبداد اجتناب‌ناپذیر است، به نقد قهر و خشونت رفتار انقلابی‌های تندرو در دوره‌ی آزادی و مجلس اول می‌پردازد و از سر اعتراض و به درستی می‌نویسد: «در ایران آن دوره اگر دولت مطلقه و دست‌گاه استبداد کهن در کار بود ماهیت قضیه به کلی فرق می‌کرد، اما چنین حالتی وجود نداشت».

می‌بینیم که نقد خشونت که توسط او انجام شده، معضل تاریخی بزرگی را نشان می‌دهد که هنوز پابرجاست و تمایل به قهر را نزد ایرانی‌ها به جنون جنگ‌طلبی تبدیل کرده است.

گمان می‌رود اگر این میزان نقد راجع به خشونت‌طلبی انقلابی نزد مشروطه‌خواهان فراگیر می‌شد، نتایجی که ما در تاریخ‌مان از روی‌کردهای انقلابی می‌گرفتیم بسیار متعالی‌تر می‌بود.

زیرا که این خون است که خون می‌آورد و امتداد می‌یابد.

آدمیت خشونت دوران میانی مشروطیت را از جانب مشروطه‌خواهان نقد می‌کند و میزان آزادی به دست آمده در آن زمان را مورد توجه قرار می‌دهد. در نتیجه این خشونت را امری بی‌مورد و زاید و زیاده می‌داند.

آدمیت برای آن که نشان دهد آزادی تا کجاها به ثمر نشسته بود با اشاره به اعلانی که در روزنامه‌ی صور اسرافیل چاپ شد، چنین می‌نویسد: «با ایجاد مشروطه‌ی پارلمانی حاکمیت به مجلس ملی تعلق گرفت و دست‌گاه مجلس در گردش بود. حقوق آزادی (آزادی بیان و قلم و اجتماعات سیاسی و تظاهرات (به رسمیت شناخته شدند و قلمرو عملی پیدا کردند. آزادی به آنجا رسید که اعلان کشتن رئیس دولت را در روزنامه منتشر کردند، اما نه معترض روزنامه‌نویس گشتند نه انجمنی که آن اعلان به نام آن انتشار یافت».

«آدمیت در 1349 برای دریافتن گرفتاری‌های تکراری روشن‌فکران، به بررسی و انتشار» اندیشه‌های میرزا فتح‌علی آخوندزاده»، روشن‌فکر تبعیدی و مهم مشروطه‌خواه، پرداخت.

او در این کتاب علاوه بر نقل متون «آخوندزاده»، نقد او را به شکلی سازنده در پیش گرفت و برخلاف آینده‌گان خود (هم‌چون جلال آل‌احمد که هر چیز ناخوش‌آیند خویش را به چوب می‌رانند (طرح تفکیک آنچه به کار تاریخ ما می‌آید، از ناسره، در انداخت، سنت و سیاقی که متأسفانه چندان پا نگرفت و تذکره‌نویسی و شرح احوالات و حالات حضرات را نتوانست که ریشه‌کن کند.

ماشالله آجودانی در کتاب «مشروطه‌ی ایرانی «می‌نویسد»: «آدمیت در کتاب ارزشمندش آن نامه‌ها و انتقادات و نقد و نظرها را به دقت مورد بررسی قرار داده است. نقد و بررسی و طرح مجدد آن‌ها از دیدگاه ما، می‌تواند ما را با مشکل اساسی روشن‌فکران آن دوره، در حقیقت با مشکل بزرگ نهضت مشروطیت آشنا کند».

در حقیقت، تحلیل تاریخی آدمیت، پاک‌سازی و تراشیدن زواید و دست یافتن به جنبه‌های روشن اندیشه‌ی آن نویسندگان، تأثیرات آن‌ها بر جامعه و در نتیجه سیرک تکوینی و تکاملی در آن اندیشه‌ها را در بر می‌گیرد.

و این خود حرکتی تاریخی‌ست.

آدمیت در نقد آخوندزاده دست به «نقد نقد زده است و انتقاد او را از» مستشار الدوله «نقد کرده است: "انتقادهای سنجیده‌ی میرزا فتح‌علی بر» یک کلمه) «کتاب مستشار الدوله (انتقادهایی‌ست که دانش و بینش او را نمایان می‌سازد. و در فلسفه‌ی پروتستانیسم او نیز منعکس است، اما آن نکته‌جویی‌ها به شریعت باز می‌گشت نه به» یک کلمه. «عقاید نویسندگی آن رساله پرداخته‌ی احکام دینی نبود، بلکه عیناً از اعلامیه‌ی حقوق بشر 1789 و قانون اساسی 1791 فرانسه گرفته شده بود. فقط برای آنکه طرح خود را مقبول عامه و و اهل دولت استبدادی گرداند و نگویند اصول انقلاب فرنگی را آورده است، آیات و احادیثی را بر صدق گفتار خود گواه آورده بود. انتقادی که بر آن می‌توان وارد دانست این است که این آیات و روایات اغلب وصله‌های ناجوری بر قانون اساسی فرانسه بودند».

آدمیت به ما می‌آموزد که با خواندن آنچه دیگری نوشته است، باید که به اندیشه فرو برویم و آن را بی‌واسطه نپذیریم. نکته‌ی به غایت ساده که در فرهنگ تاریخی ما همچنان موجود نشده است.

و نیز این نکته‌ی مغفول را نیز نشان می‌دهد که وصله پینه‌ی امور و نادیده انگاشتن شرایط محلی، تاریخی و جغرافیایی تا چه اندازه تاریخ یک کشور را به بن‌بست می‌کشاند.

آدمیت در زبان و کشوری نظر به تاریخ انداخت و به تحلیل رو آورد که تاریخ‌نویسی‌اش بیش از هر چیز نوشتن تذکره‌ی شاهان و شرح فتوحات آنان بود. و رنگ و نور خیره‌کننده‌ی دربارها و عدل آنان را روایت می‌کرد.

در تاریخ‌هایی چون «بیهقی»، «طبری» و «یا» جهان‌گشای جوینی «گذشته از نثر درخشان‌شان، با مرور جانب‌دارانه‌ی میرزا بنویس‌های دربار مواجه‌ایم که تاریخ را به مفهوم شرح احوال حکمران و آیین او در مملکت‌داری تقلیل داده‌اند. حتا امروز نیز برخورد غالب ما با تاریخ‌مان برخوردی اغراق‌آمیز و داستان‌پردازانه است که در آن فتح زمین و کشتار مردمان دیگر ممالک به عنوان افتخارات ملی تلقی می‌شود.

شخصیت‌های تاریخی ایران به مدد این تذکره‌ها در حاله‌ی از قداست و رمز و راز پیچیده شده‌اند. و این خود راه را بر نقد روشن‌گرانه و تند و تیز بسته است.

آدمیت تاریخ معاصر را روی میز تشریح کشیده و اعضا و جوارح آن را که از جنس زمان بوده‌اند تکه تکه کرده و مورد تأمل قرار داده است.

او در «اندیشه‌ی ترقی و حکومت قانون»، دوران پیشا-مشروطیت را به دقت بررسی کرده است. دورانی که میرزا حسین خان سپهسالار، نخستین تلاش‌ها را نمود تا ناصرالدین شاه را با فرهنگ فرنگ و روند تکاملی علم و تمدن مدرن آن آشنا سازد.

با پا گرفتن اندیشه‌ی نوین در عهد مشروطه، نیاز به تاریخ‌نویسی آن‌قدر زیاد شد که تمام نویسندگان از آن پس، از دور یا نزدیک، دستی بر آتش تاریخ کشور بردند.

فریدون آدمیت نیز، در همین زمینه و زبان به میانه آمد و تلاش کرد تحقیقی جامع و تحلیلی از تاریخ، به عنوان حافظه‌ی ملت خویش، به دست دهد.

می‌توان به جرأت گفت تمام زحمات او یک طرف، دل به دریا زدن و نوشتن از روشن‌فکران دوران مشروطیت طرفی دیگر. زیرا که نویسندگان مشروطه‌خواه نه تنها مخالفانی داشته‌اند که هنوز زنده‌اند، بلکه نماد تمرین ناکام دموکراسی و تفکر عقلانی تاریخ ایران هستند.

آدمیت به نقد، بازخوانی و شناسایی کسانی دست زد که گذشته از پاره‌پی نارسایی‌ها) همچون غربی‌گرا خواندن میرزا ملکم، که موجب گمراه شدن نویسنده‌گانی چون آ‌احمد راجع به او شد، عملاً برای ایرانی‌ها ناشناخته مانده بودند.

او در رساله‌ی آخوندزاده که به طور مثال آورده شد و دیگر نوشته‌های خویش نشان داده است که نه تنها اطلاعاتی جامع راجع به تمدن اروپایی داشته است بلکه راجع به اصول جامعه‌شناختی مملکت خود و مهم‌تر از همه مذهب و فقه شیعی آگاهی بسیار زیادی داشته است.

همت بلند امثال او بود که تاریخ را از حالت دیواری حائل در پشت سر ما در آورد و از آن دالانی ساخت که بتوان به آن وارد شد و به تماشا پرداخت.

شاید این کار مهم‌ترین وظیفه و نتیجه‌ی اصلی تلاشی باشد که یک روشن‌فکر به عهده دارد.

و با خود می‌اندیشم با مرگ انسان‌هایی چنین چند تن، چند هزار تن لازم است تا جای خالی بزرگ این نفس مرده را پر کند؟

زنجان

تاریخ و فرهنگ شهر زنجان

<http://zanjancity.blogfa.com>

ابراهیم زنجانی



معماي "مجمع چهارم"

فریدون آدمیت، پسر عباسقلی خان آدمیت، که به دلیل دسترس‌ی به اسناد پدرش بیش از هر کس دیگر با تشکیلات جامع آدمیت آشنایی دارد، سازمان جامع را مرکب از چهار مجمع معرفی می‌کند: مجمع نخست، مجمع آدمیت بود که توسط خود عباسقلی خان اداره می‌شد. مجمع دیگر انجمن حقون سلیمان میرزا اسکندری بود که در اواخر 1325 از جامع جدا شد، مجمع سوم را حاج میرزا غلامرضا اداره می‌کرد و مقر آن پاقاپوق بود. فریدون آدمیت می‌نویسد: «مجمع چهارم را نمی‌شناسیم». او در فهرست نمایندگان مجلس عضو جامع آدمیت از تقی‌زاده نام نمی‌برد و منکر عضویت او در جامع است.

به گمان من، فریدون آدمیت «مجمع چهارم» را خوب می‌شناسد ولی به دلایلی درباره آن سکوت می‌کند. در واقع، به دلیل نقش فتنه‌انگیز این «مجمع چهارم» بود که سرانجام کار به فروپاشی و انحلال جامع آدمیت و رسوایی و فرجام شوم عباسقلی خان کشید. این امر در پایه نفرتی عمیق از عاملین این واقعه قرار گرفت و میراث آن به پسران عباسقلی خان انتقال یافت. به این دلیل است که فریدون آدمیت در آثار خود کینه‌ای شدید و غیرعادی نسبت به تقی‌زاده و حامیان و وارثان فکری و سیاسی او ابراز می‌دارد و در بسیاری موارد، گاه بی‌ارتباط با موضوع، به ایشان می‌تازد؛ و در مقابل، وابستگان به این «مجمع چهارم»، چون یحیی دولت‌آبادی و مهدی ملک‌زاده) پسر ملک‌المتکلمین (و دیگران، عباسقلی خان آدمیت را «حقه‌باز» و «شارلاتان» می‌خوانند. برای مثال، فریدون آدمیت، از قول محمود محمود، تقی‌زاده را «آخوند بی‌حقیقتی» می‌نامد که «تقید دینی‌اش را از دست داده و تقید اخلاقی



هم جایش را نگرفته «است؛ یحیی دولت‌آبادی را» مرتبط با سفارت انگلیس «و» دلال سیاسی «می‌خواند؛ میرزا محمد نجات خراسانی را» عامل و خبررسان سفارت انگلیس «می‌داند؛ به امیر اسدالله علم، در اوج اقتدار او، می‌تازد و مهم‌تر از همه می‌نویسد :

فرقه بهائی یکپارچه دستگاه بیگانه‌پرستی است... دفتر اعمال پلید این کسان و ایادی آنان آشکار می‌سازد که جملگی در زمره غلامان حلقه به گوش بیگانگان باشند.

این رویکردی غیرعادی در دستگاه فکری لائیک فریدون آدمیت است که برای برخی محققین جدید، که با عمق حوادث تاریخی و میراث آن آشنایی ندارند، قابل درک نیست و به این دلیل آدمیت، به‌رغم جایگاه برجسته‌اش در بنیانگذاری تاریخنگاری جدید ایران، گاه مورد انتقاد قرار گرفته است .

در شراره استبداد، سید حسن تقی‌زاده نیز، در قالب شخصیتی به‌نام «سیدزاده» حضور دارد و این مغایر است با نظر فریدون آدمیت که عضویت او را در جامع منکر است . به‌نوشته زنجانی،

[سیدزاده] جوانی است به انوار علم و هنر آراسته و از فنون و علوم جدید و ترتیبات سیاسی و پولتیک دول و ملل زیاد خبر دارد... از آدم‌های فوق متعارف صاحب هوش عالی و فضایل و اخلاق حمیده . در آن جوانی با نهایت وقار و سنگینی و عفت و عقل آراسته، رفاقت و صداقت حقیقی دارد... قدری صحبت از نشریات نمودیم این جوان را بالاتر از شیخ‌زاده [میرزا ابراهیم آقا تبریزی؟] [و خان‌زاده] میرزا صادق خان مستشارالدوله؟ [و عاشق تمدن وطن و ترقی مملکت خود دیدم . و از مقوله حرف و شور جوانی جز این خط چیزی را منظور نداشت.

انقلاب اسلامی

<http://enghelabe-eslami.com>

زننده یاد دکتر آدمیت ، ایران‌دوستی آزادخواه

بهرروز برومند

روز 26 فروردین ماه سال 1382 دوست گرامی ام سرور علی دهباشی ، مهربانی نمودند و استاد دکتر فریدون آدمیت را نزد من آوردند تا نزد تدرستی ایشان آسوده خاطر گردند .

استاد فرهیخته در آن زمان 82 بهار زندگی را پشت سر گذارده بودند . آرامش و توان ایشان بی‌مانند بود . و بخوبی روشن بود که نگرانی دهباشی عزیز بیشتر از خود استاد می باشد .

من هیچگاه هنگام بررسی بیماریه کار و پیشه و جایگاه اجتماعی او در گذشته و حال نمی اندیشم هرچند باره استاد فرهیخته نتوانستم روش پیشین خود را پی بگیرم . هم‌زمان با پرسشی که در باره تدرستی ایشان می کردم، خدمت‌هایی که ایشان برای ایران‌زمین و تاریخ و فرهنگ ایران کرده بودند از برابر دیدگانم گذشت و بیاد آوردم که انسان ارزنده ای که در برابر من نشسته در درازای 60 سال ، تنها نگرانی اش روشن نمودن گوشه های از یاد رفته کوشش های کسانی بوده است که در گذشته برای سرفرازی ایرانی آزاد و آباد کوشیده اند . نخستین بار امیر کبیر را با نوشته های ایشان شناختم با هر پرسشی کتابی دیگر از ایشان بیاد می آمد هر چند می کوشیدم این یاد آوری هارا کنار بزنم باز نمی شد . نخواستم از ایشان بپرسم که آیا فراموشی دارند یا نه ؟

در باره میرزا آقا خان کرمانی از ایشان پرسیدم تا ببینم به یاد دارند در گذشته چه نوشته اند ؟ برایم باور کردنی نبود و بسیار شادمان شدم که گذشته از آنچه از کتاب ایشان آموخته بودم آگاهی های تازه ای در زمینه خردورزی میرزا آقا خان کرمانی به من بازگو کردند که دریافتم چگونه یاد استاد به همان اندازه روزگاری است که با کوششی ارزنده و ستودنی کتاب ارزشمند میرزا آقا خان کرمانی را نوشتند . چه بسا اگر این کار سودمند نبود ما نام میرزا آقا خان کرمانی را هم بیاد نداشتیم . برای من بسیار سرافکندگی دارد اگر دریابم که کسانی جان خود را فدا نموده اند و سر خود را از دست داده اند تا ایرانی آزاد و آباد بماند را شناسم . در آن روز بیشتر پی بردم که اگر با نام کسانی چون میرزا آقا خان کرمانی، آخوند زاده و دیگران آشنا شده ام و مدار کوشش های استادی بی مانند چون دکتر فریدون آدمیت می باشد . اگر ایشان با از خود گذشتگی کوشش نمی کردند ما نمی دانستیم که پیشینیان ما چه جانفشانی ها کرده اند و سرمشقی نیز برای تلاش در راه سربلندی نمی داشتیم .

در درازای 5 سال سرور دهباشی 6 بار استاد را نزد من آوردند ، بیماری ایشان پیامد آزاری در کلیه ها نبود ، و من که در گذشته هنگامیکه، بیماری کلیه در کار نمی بود از دیگر همکاران کمک می‌خواستم، کوشیدم مانند دهباشی خودم

ایشان را نزد دیگر همکاران بیرم تا بتوانم از نگرانی شاگردان استاد بکاهم . سختی کار در آن بود که استاد تن به پیشنهادها برای روشن شدن ریشه بیماری نمی دادند و من دریافتم که استاد دلخوشی چندانی از دو روز بیشتر زیستن در زمان کنونی ندارند. با گذشت زمان پی بردم که رویدادهای ناخوشایند گذشته و اکنون ، ریشه آزارهای ایشان می باشد. همانگونه که در دهه 1350 نیز کار خود را به هنگام از دست رفتن بحرین برای نشان دادن خشم خود از جدائی بحرین از مام میهن رها نمودند ، و بدرستی میتوان گفت که رویدادهای ناگوار در درازای تاریخ ، تندرستی استاد فرهیخته را آسیب زده بود .

من یکبار در این باره با ایشان گفتگو نمودم و پاسخ های ایشان به من نشان داد که دکتر آدمیت نشانه خوبی از نماد سروده " : چو ایران نباشد تن من مباد " میباشند. و نه تنها نویسنده ای توانا و دانشمندی آزاده اند که گذشته از نوشتن برای آنچه درست می داند با دستگاههایی که با اندیشه های ایشان سازگاری ندارند و به زیان میهن کار می کنند همکاری نمی نماید و مقام های بزرگ مادی نیز ایشان را وادار به سازش نمی نماید. این از خودگذشتگی ها بر همگان روشن بوده است و خواهد ماند. یکی از نشانه های ستایش ایرانیان از ایشان آن است که به گفته همسرگرامی ایشان پیشوای در گذشته ملت ایران زنده یاد دکتر محمد مصدق عکس خود را به یاد بود به استاد دکتر آدمیت هدیه کرده اند .

در آخرین دیدار نگرانی خود را از آسیب هایی که عرب ها به فرهنگ و شناسایی ما ایرانیان با عرب نامیدن دانشمندانی چون رازی و پورسینا و بیرونی با ایشان در میان گذاردم و در پی آن خواستم از دانش استاد بهره بگیرم ، درد آور بود که استاد با بیانی همراه اندوه گفتند بسیاری از ایرانیان در این رهگذر از عرب ها بیشتر به فرهنگ ایران آسیب رسانیده اند و آنچه آزار دهنده است ویرانگری هایی است که ایرانیان عرب زده می نمایند .

من نگران آن هستم که اندوه زیاد آنچه بر فرهنگ و دانش در ایران زمین رفته است برای استاد بیمارزا بوده باشد . گذشته از کوشش های جانفرسای استاد ، بیماری ایشان نیز بهایی بود که برای سربلندی ایران پرداخت نمودند .

اکنون که آنچه از استاد بیادداشتم گفتم بدن نیست بگویم آخرین بار چگونه من را فرا خوانده اند: هنگامی که لوله راههای تنفسی نمیگذاشت سخن بگویند از همسر فداکار خود مداد و کاغذ خواستند و روی آن نوشتند " برومند . " در پایان باید بگویم که گوهر شناسان از استاد با کوششی در خور ستایش نگهداری می نمودند و یکی از کسانی که باید او را ستود ، علی دهباشی گرامی می باشد که با دیگر دوستان در همه زمان ها ، بامداد ، نیمروز و نیمه های شب با نگرانی میکوشید که استاد را همراهی و یآوری نماید باید به ایشان گفت " که تن و جانت به ناز طبیبان نیازمند مباد. "

20/1/1387 خورشیدی



کتابخانه انجمن گشن

صفحه	95	8	7	6	5	4	3	2	1	0	0e	0d	0c	0b	0a	0a
------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---	----	----	----	----	----	----



اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی



نوشته
فریدون آدمیت



باز تکثیر توسط

گروه پژوهش در جنبش بابیه از تارنماهای تبرستان و گلشن

<http://www.golshan.com/>

<http://www.tabarestan.org/>

نسخه بهتری از این کتاب در کتابفروشی گلشن موجود است

<http://www.ketabfarsi.com/ketabkhaneh/ketabforooshi/ketabforooshi.html>

صفحه	95	8	7	6	5	4	3	2	1	0	0e	0d	0c	0b	0a	0a
------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---	----	----	----	----	----	----